

## دو روی مثبت و منفی اثرات اقتصادی توریسم

بدون تردید یکی از نخستین و مهم‌ترین محرک‌های توسعه فعالیت‌های گردشگری در اغلب کشورها کسب منافع و عایدات اقتصادی است. اهمیت بالایی ایجاد شغل‌های جدید و پایدار برای دولت‌ها و جذب سرمایه‌گذاری از جمله دلایلی است که بسیاری از کشورها را به عرصه رقابت در بزرگ‌ترین صنعت خدماتی جهان، یعنی گردشگری کشانده است. بنابر جدیدترین آمارهای منتشر شده توسط «انجمن جهانی سفر و گردشگری (WTTC)» ، امروزه به ازای هر ۱۰ شغل، یک شغل به گردشگری و فعالیت‌های مرتبط با آن وابسته است؛ ۹/۹ درصد از مجموع اشتغال در جهان. همچنین در سال ۲۰۱۸ میلادی، ۴/۵ درصد از مجموع سرمایه‌گذاری‌ها (حدود ۹۰۰ میلیارد دلار) در صنعت گردشگری هزینه شده است. گردش بالایی مالی گردشگری و نقشی که در درگیر کردن طیف وسیعی از بخش‌ها و صنایع دارد موجب شده است تا ۴/۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی در جهان به صنعت گردشگری اختصاص داشته باشد؛ رقمی معادل ۸۲۷۲ میلیارد دلار.

در اینجا هدف از ذکر مختصری از مهم‌ترین آمارها و ارقام جدید در صنعت گردشگری، جلب توجه مدیران و فعالان حوزه گردشگری به اهمیت تأثیرات اقتصادی گردشگری و نقشی است که این صنعت می‌تواند در رشد و شکوفایی اقتصادی یک کشور یا منطقه ایفا کند. همچون دیگر اثرات گردشگری، اثرات اقتصادی نیز می‌توانند مثبت یا منفی باشند و مسلم است که در صورت برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح و انجام ارزیابی‌های دقیق، منظم و بی‌طرفانه می‌توان اثرات منفی احتمالی را به حداقل رساند. علاوه بر ایجاد شغل و جذب سرمایه‌گذاری که پیش‌تر به‌عنوان شاخص‌ترین اثرات مثبت اقتصادی گردشگری به آنها اشاره شد، بهبود اقتصاد محلی، ارتقای کیفیت زندگی، افزایش درآمدهای مالیاتی و بهبود زیرساخت‌ها از جمله دیگر اثرات مثبت اقتصادی در گردشگری است. از سوی دیگر، افزایش قیمت کالا و خدمات، افزایش هزینه نگهداری از زیرساخت‌ها، کاهش اشتغال در فصول کم‌گردشگر سال و خروج منافع و عایدات مالی توسط صاحبان غیربومی مشاغل را می‌توان از عمده‌ترین اثرات منفی اقتصادی ناشی از فعالیت‌های گردشگری قلمداد کرد. یکی از ویژگی‌های اثرات اقتصادی گردشگری دامنه تأثیراتی است که می‌تواند بر دیگر حوزه‌ها (فرهنگ و جامعه و محیط‌زیست) داشته باشد. به عبارت دیگر، اثرات اقتصادی گردشگری همپوشانی زیادی با دیگر اثرات ناشی از فعالیت‌های گردشگری دارد و همین امر نیز موجب ملموس‌تر شدن اثرات اقتصادی گردشگری می‌شود.

برای مثال، بروز تنش‌های فرهنگی میان جامعه میزبان با گردشگران (به‌عنوان یکی از اثرات منفی فرهنگی-اجتماعی گردشگری) می‌تواند خود را در قالب کاهش چشمگیر گردشگران ورودی و به تبع آن کاهش درآمدهای گردشگری نمایان کند. در نمونه‌ای دیگر، حفاظت از گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض خطر به‌منظور توسعه فعالیت‌های طبیعت‌گردی و اکوتوریسم، بسته به سیاست‌های توسعه‌ای و نحوه تخصیص بودجه و اعتبارات، می‌تواند اثرات مثبت یا منفی اقتصادی برای یک جامعه محلی به‌همراه داشته باشد. در مطالعه و ارزیابی اثرات اقتصادی گردشگری به‌طور معمول این اثرات به سه بخش اثرات مستقیم، غیرمستقیم و اثرات تشویقی تقسیم می‌شود. اثرات مستقیم اقتصادی نیز خود به سه بخش کلی کالاها و خدمات (مانند اقامتگاه‌ها، حمل‌ونقل و جاذبه‌ها)، صنایع (خدمات اقامتگاهی، خرده‌فروشان و خدمت تفریحی، فرهنگی و ورزشی) و منابع هزینه (مانند میزان هزینه گردشگران خارجی و داخلی در یک مقصد) تقسیم می‌شود.

سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در بخش سفر و گردشگری و اثرات اقتصادی ناشی از خرید از عرضه‌کنندگان گردشگری نیز در حوزه اثرات غیرمستقیم اقتصادی گنجانده می‌شوند. اثرات تشویقی یا مسبب گردشگری درحقیقت میزان پولی است که توسط شاغلان بخش گردشگری در بخش‌ها و زمینه‌هایی همچون غذا، تفریحات، پوشاک، تامین مسکن و ... انجام می‌شود. حال با توجه به آنچه تا اینجا ذکر شد می‌توان به دلیل اصلی ضریب تکاثری بالای گردشگری پی برد؛ چراکه هزینه‌های انجام شده توسط یک گردشگر می‌تواند عایدات فراوانی برای بسیاری از بخش‌های یک جامعه، حتی کسانی که به‌طور مستقیم درگیر فعالیت‌های گردشگری نیستند، داشته باشد. بسیاری از کشورها برای ارزیابی اثرات اقتصادی گردشگری تنها به تخمین و برآورد اثرات مستقیم اقتصادی گردشگری می‌پردازند. یکی از دلایل این امر را می‌توان به سهولت در رصد کردن و ارزیابی این نوع از تاثیر اقتصادی گردشگری نسبت داد، اما این نکته را نیز نباید از خاطر برد که در واقع حاصل جمع سه تاثیر مستقیم، غیرمستقیم و تشویقی گردشگری است که میزان مشارکت بخش سفر و گردشگری را در تولید ناخالص داخلی و اشتغال یک جامعه (مقصد) مشخص می‌کند. اثرات مستقیم اقتصادی گردشگری تنها شامل ۳۱ درصد از مجموع مشارکت صنعت گردشگری در تولید ناخالص داخلی می‌شود. بنابراین توجه به دیگر ابعاد اقتصاد گردشگری نظیر اثرات غیرمستقیم و تشویقی که به ترتیب حدود ۵۲ و ۱۷ درصد در تولید ناخالص داخلی سهم دارند، می‌تواند سود حاصل از فعالیت‌های گردشگری را به حداکثر برساند.

در پایان با توجه به آنچه از نظر گذشت می‌توان نتیجه گرفت که توجه به سرمایه‌گذاری در حوزه صنعت گردشگری می‌تواند تا حدود بسیار زیادی مشکلات ناشی از کمبود شغل و وابستگی اقتصاد ایران به نفت را برطرف کند. البته یکی از شروط بسیار مهم در این زمینه فراهم آوردن زمینه‌های مساعد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی است. علاوه بر اینکه ترسیم چشم‌اندازی شفاف و بر مبنای واقعیت‌گرایی و همچنین بهره‌بردن از نیروهای زبده و متخصص در حوزه گردشگری از جمله ابزارهای ضروری برای نیل به این هدف خواهد بود؛ آنچه شوربختانه تا به امروز در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت و همچنین در حوزه ارزیابی اثرات و آمارهای گردشگری شاهدش نبوده‌ایم.

منبع: محمدرضا گوهری-کارشناس ارشد اکوتوریسم از دانشگاه ایالتی وسترن استرالیا-خبرگزاری دنیای اقتصاد